

فاطمه زهرا(س) در کلام نویسندگان غیر شیعه

نوشتار حاضر می‌کوشد سخنان کوتاهی از آثار این دسته نویسندگان را گزینش نموده و ذکر نماید...



نوشتار حاضر می‌کوشد سخنان کوتاهی از آثار این دسته نویسندگان را گزینش نموده و ذکر نماید. باید اذعان کرد: آنچه می‌آید بخشهایی از سخنان عده معدودی از نویسندگان غیرشیعی است و هدف از این اقدام شناخت شخصیت حضرت فاطمه(س) از خلال کلام آنان نیست؛ زیرا توصیف و معرفی شخصیت فاطمه(س) از توان و بیان نویسندگان فراتر است. تنها راه شناخت او شناخت از طریق کلام الهی و رسول خدا(ص) و معصومان است. بنابراین، این تلاش ناچیز در پی این هدف نیست؛ بلکه فقط برای پرده برداری از جاذبه محبت حضرت فاطمه(س) و توجه به جایگاه عظیم و متعالی آن حضرت سامان یافته است.

از سید مرتضی حسینی شاه‌ترابی

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حج، شخصیت بی‌مثال فاطمه زهرا(س) آنچنان عالی و متعالی است که نه تنها شیعیان، بلکه غیرشیعیان شیفته و بی‌قرار اویند. جاذبه محبت او به قدری است که آنان را نیز وادار به نوشتن، سخن‌گفتن و کرنش در برابر خویش نموده‌است. به طوری که برخی از آنها کتابهای مستقل و جداگانه‌ای در دفاع از وی و تبیین زندگانی پربار او نگاشته‌اند.

نوشتار حاضر می‌کوشد سخنان کوتاهی از آثار این دسته نویسندگان را گزینش نموده و ذکر نماید. باید اذعان کرد: آنچه می‌آید بخشهایی از سخنان عده معدودی از نویسندگان غیرشیعی است و هدف از این اقدام شناخت شخصیت حضرت فاطمه(س) از خلال کلام آنان نیست؛ زیرا توصیف و معرفی شخصیت فاطمه(س) از توان و بیان نویسندگان فراتر است. تنها راه شناخت او شناخت از طریق کلام الهی و رسول خدا(ص) و معصومان است. بنابراین، این تلاش ناچیز در پی این هدف نیست؛ بلکه فقط برای پرده برداری از جاذبه محبت حضرت فاطمه(س) و توجه به جایگاه عظیم و متعالی آن حضرت سامان یافته است.

ضرب المثل کمال و جمال

یکی از نویسندگان و اندیشمندان غیرشیعی که محبت بسیار شدیدی به ریحانه نبی(ص) ابراز کرده "توفیق ابوعلم" - متفکر و نویسنده اهل سنت مصری - است. وی کتابی نگاشته است با نام "فاطمه زهرا" و با زیبایی هرچه تمامتر قلمفرسایی نموده است. او با این بیان از صدیقه کبری(س) یاد می‌کند: ((فاطمه رضی الله عنها، ضرب المثل کمال و جمال بود و در وجودش ذخایری از انسانیت و مردمی، عفت و بزرگواری، پاکي و هوشیاری، فطانت و آگاهی که امکان داشت بانویی به آنها دسترسی یابد فراهم آمده بود.

فاطمه مباحثات می‌کرد که در مدرسه نبوت تربیت شده و در دانشگاه رسالت به کمال رسیده و از آنچه پیامبر از حق تعالی تلقی کرده بهره گرفته است. فاطمه در خانه پدر و در دامان پرورش او به فضایی آراسته شد که هیچ دختر دیگری در مکه به آنها دست نیافته بود و در عین حال به تمام فنون و دانستیهای دختران آن روز جزیره العرب آگاهی و احاطه داشت.)).

2. قله نشین قاف عفت

این استاد مصری تعبیرات متنوع و پربراری در وصف بانوی دو عالم به کار می‌برد که از جمله آنها این بیان اوست:

((جان نیرومند فاطمه در قالبی که گنجایش آن را نداشت، جایگزین شده بود.)) و باز در جای دیگر می‌نویسد: ((فاطمه، رضی الله عنها، صاحب اخلاقی نیکو و ملکاتی شریف و طبیعتی نجیب بود.

احساسی عظیم و فهمی سریع و ذهنی تند داشت. مروّتی سرشار و مکارمی تحسین‌انگیز و دستی فیاض و کفی بسیار بخشنده‌اش بود. دلی بی‌پروا و شجاع در سینه‌اش می‌پلید. با آنکه زیر بار هیچ زوری نمی‌رفت از هرگونه خودپسندی و عجب منزه بود. تکبر و تبختر دیگران را به چیزی نمی‌گرفت و در برابر هیچ عظمتی سر فرود نمی‌آورد. فاطمه در کنار جمال و اندام موزون، به کمال معنی نیز آراسته بود. از نهایت بزرگواری و نرمخویی و وسعت صدر برخوردار بود. بانویی شکبیا و متین و باوقار و سنگین بود. فطانت و استقامت رأی و عفت و خویشنداری را در خود جمع داشت.

فاطمه بر قله قاف عفت و درستی جای داشت. او را دامنی پاک و چشمی پاک بود و هوای نفس بر او فرمان نمی‌راند. او در قلعه استوار عصمت و پاکي صیانت می‌شد. او از خاندان پیامبری بود که خداوند درباره ایشان آیه تطهیر نازل کرده و به طهارت و عصمتشان چنین گواهی داده است که "انما یرید الله لیذهب عنک الرجس".

3. پاکترین مادر

قلم "توفیق ابوعلم" از لطافت و زیبایی ویژه‌ای برخوردار است و از تعبیرات بسیار دلنواز و دلنشینی در وصف دختر رسول خدا(ص) بهره می‌گیرد. به عنوان نمونه می‌نویسد:

((او تنها دامان پاکي است که ذراری رسول خدا، همه از آند و تنها زمین طیب و طاهری است که شجره برومند خاندان گرامی پیامبر، در آن روییده، بلکه او پاکترین مادری است که حافظه قرون و اعصار به خاطر می‌آورد.)).

4. زنی سرشار از افتخارات

محمد بن احمد بن عثمان بن قایماز- محدث و مورخ مشهور شافعی- (673-748 ه.ق.) ملقب به "شمس الدین ذهبی" که از بیش از 1200 مشیخه حدیث استماع کرده و صاحب کتابهای معروف "تاریخ الاسلام" و "سیر اعلام النبلاء" است می‌نویسد:

(([فاطمه زهرا(س)] سرور زنان عالم در زمان خود، پاره تن پیامبر، شادی و سرور مصطفی، مام پدر، دختر سرور خلائق- رسول خدا- ابی‌القاسم محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف-، دختری قریشی، هاشمی [و] مادر حسنین[بود]... پیغمبر خدا دوستش می‌داشت و اکرانش می‌کرد و مسرورش می‌نمود. افتخاراتش بسیارند؛ زنی صبور، دیندار، نیکوکار، قناعت‌پیشه و شکرگزار خدا بود.)).

5. متمایز به صفات شرف انسانی

ابوسالم کمال الدین محمد بن طلحه بن محمد حسن عدوی قرشی- شاعر و قاضی شافعی- (582-652 ه.ق) صاحب کتاب "عقد الفرید" و "مطالب السوول" نام دختر

رسول خدا را با این بیان خاطر نشان می‌شود:

((همانا او به فضیلت و خلق و خواهی که از سوی پیامبر منصوص بود مخصوص شده بود و به خصایصی که کلام نبوی به آن تصریح کرده بود برتری داده شده بود و با صفات شرفی که نفسهای پاک و گرانقدر در تکتک آنها مسابقه داده بودند متمایز شد... و همراه با فرزندان داخل در آن عده از کسانی شد که خداوند تعالی آنان را با نزول آیات قرآن کریم مخصوص و وجوب اعتقاد به آنها را لازم کرد.)).

6. نمونه حسن اخلاق

"توفیق ابوعلم" - نویسنده مصری- وقتی اخلاق نیکوی فاطمه(س) را خاطر نشان می‌شود می‌نویسد: ((او نمونه والای حسن اخلاق و سلامت طبع بود.)).

7. پشتیبان شوهر

"عبدالفتاح عبدالمقصود" - نویسنده معروف اهل سنت و مصری- پشتیبانی و جانبداری فاطمه زهرا(س) از امیرالمؤمنین را یادآور می‌شود و می‌نویسد:

((فاطمه... بر خود لازم می‌دانست که به پا خیزد، دعوت کند، تا می‌تواند بکوشد. او دوش به دوش شوهر مظلومش ایستاد و با زبان که تنها وسیله دفاعش بود به او یاری می‌کرد. با این عمل خدیجه کبری را دوباره نشان می‌داد؛ در این دفاع و کوشش باخلاص و پرنج تابلوی گذشته را با سایه روشنهای آشکار و خطوط برجسته آشکار می‌کرد. گویا محیط و چهره همان مادر است که نمایان و زنده شده.)).

8. بزرگ بانوی جهان

نویسنده‌ای مسیحی به نام "سلیمان کتانی" در وصف فاطمه زهرا(س) کتابی به رشته تحریر درآورده که نام آن را "فاطمه الزهرا وَتَرَّ فِي عَمَدٍ" گذاشته است. وی در این کتاب چنان پرشور و مشتاق می‌نویسد که اگر کسی از مسیحیت وی بی‌خبر باشد با اطمینان خاطر حکم به شیعی بودنش می‌دهد و گمان می‌کند او از شیعیان متعصب و دلداره حضرت زهرا(س) است.

این نویسنده مسیحی در پیشگفتار نوشته خویش می‌نویسد:

((فاطمه زهرا(س) مقامی والاتر از آن دارد که سندهای تاریخی و روایتی به‌سوی او اشاره کنند و گرامی‌تر از آن است که شرح حال گونه‌ها به‌جانب وی راهنما باشند.

فاطمه(س) را همین چارچوب کافی است که وی دختر محمد(ص) و همسر علی(ع) و مادر حسن و حسین(ع) و بزرگ بانوی جهان است.))

وی در کلامی دیگر اینچنین فاطمه(س) را می‌ستاید:

((... تو همیشه با محبت زیستی... تو با پاکي و پاکدامني زیستی؛ ای پاکیزه‌ترین مادری که دو ریحانه زادی و پروردی و بر قامت آن دو جامه‌ای از خز بخشندگی پوشاندی... تو زمین را همراه با لبخندی استهزآمیز رها کردی و به ابدیت پیوستی... ای دختر پیامبر! ای همسر علی! ای مادر حسن و حسین! و ای بزرگ بانوی بانوان همه جهانها و اعصار!)).

9. برترین در فضل و مقام

"زین العرب" - بانوی محدث و اهل علم و فضل- در شرح بر "المصابیح" می‌نویسد: ((فاطمه بتول نامیده شد به سبب بریدن از زنان امت از لحاظ فضل، دین و قدر و منزلت.)).

10. برتر از تمام زنان عالم

این ابی‌الحدید معتزلی از استاد خود، ابوجعفر یحیی بن محمد علوی بصری، نقل می‌کند که می‌گفت:

((حرمت فاطمه اعظم و منزلتش ارفع، صیانتش به‌خاطر رسول خدا سزاوارتر است. فاطمه پاره تن و جزئی از گوشت و خون اوست نه همچون زن بیگانه که هیچ نسبتی بین او و شوهرش نیست... چگونه عایشه و دیگران همپایه فاطمه باشند درحالی که همه مسلمانان، چه آنان که او را دوست دارند و چه آنان که او را دوست ندارند اجماع دارند که فاطمه سرور زنان جهانیان است؟!)).

11. والاترین بانوی آفرینش

"توفیق ابوعلم" در تبیین عظمت مقام حضرت فاطمه(س) می‌نویسد:

((او یکی از نخستین سازندگان تاریخ اسلام است... و در عظمت شأن و رفعت مقام ارجمند او همین بس که تنها دختر بزرگوار پیامبر بزرگ، صلی الله علیه و سلم، و همسر گرامی امام علی بن ابی‌طالب، کرم الله وجهه، و مادر حسن و حسین است. و در حقیقت، او آرام جان و سرور دل پیامبر خدا بود. زهرا همان بانویی [است] که میلیونها آدمی را چشم دل به‌سوی اوست و نام گرامی‌اش بر زبان ایشان است.

زهرا، آن شهاب نورافشان آسمان نبوت و اختر فروزان فلك رسالت و بالاخره، زهرا آن والاترین بانوی آفرینش [است]. اما همه این تعبیرات جز بخش اندکی از دنیای فضیلت و شرافت او را آینه‌داری نمی‌کند و جز مختصری از فضایل و مناقب او را نمایشگر نیست، که زهرا دخت رسالت و پرورده دامان وحی است.)) همین نویسنده در ادامه می‌نویسد: ((زهرا را مکان والاتر از آن است که تعبیرات، عظمت او را بازگویند و جمله‌ها نمایشگر قدر و مرتبتش گردند.)).

12. خورشید حکمت و جلال

دکتر "علی ابراهیم حسن" - استاد تاریخ اسلام دانشگاه قاهره- می‌گوید:

((زندگی فاطمه صفحه‌ای بی‌نظیر از صفحات تاریخ است که در آن رنگ جدیدی از رنگهای عظمت و بزرگی را لمس می‌کنیم. او مانند بلقیس یا کلئوپاترای که هر یک از آن دو برای عظمتشان از کاخهای عظیم و ثروت فراوان و زیبایی بی‌نظیر کم‌کم طلبیده بودند، نیست. او مانند عایشه که شهرتش را به‌واسطه شهامت در رهبری سپاه و به‌میدان‌طلبیدن مردان به‌دست آورده بود نیست. اما ما رو در روی شخصی هستیم که توانست عالم و اطراف را در هاله‌ای از حکمت و جلال فروبرد؛ حکمتی که مرجع آن کتابها و فلاسفه و علما نیستند و فقط تجارب روزگاری است که سرشار از دگرگونی و حوادث ناگهانی است. و جلال و شکوهی که کم‌کم گرفته شده از قدرت و ثروت فراوان نیست و فقط از خلوص و پاکي نفس است.)).

13. سوّم خورشید و ماه

نور الدین علی بن محمد عبدالله- محدث و فقیه مالکی- (784 - 855 ه.ق.) معروف به "ابن صباغ" و صاحب کتاب "الفصول المهمه فی معرفة احوال الائمه" در تمجید از بانوی یکتای خلقت می‌نویسد:

((او، فاطمه زهرا، کسی است که "سیحان الذی اسری" بر او نازل شد [و] سوّم خورشید و ماه و سرور زنان به اجماع اهل راستی و هدایت است.)).

14. بی‌نظیر و بی‌همتا

"هروی" - لغوی نامی- در کتاب "الغریبین" خود که کتابی است شناخته‌شده و به بحث از غرائب قرآن و حدیث نبوی پرداخته است از علت نامگذاری بانوی هستی به نام

بتول سخن می‌گوید و می‌نویسد:

((مریم بتول نامیده شد چون از مردان برید و فاطمه بتول نامیده شد چون از نظیر و مانند برید [یعنی بی‌همتا شد.])).

15. برتر از گمان مردم

ابن ابی‌الحدید معتزلی از رابطه بسیار صمیمانه و اکرام بی‌مانند رسول خدا(ص) در حق فاطمه(س) سخن می‌گوید و می‌نویسد:

((پیغمبر خدا فراوان فاطمه را اکرام می‌کرد، فراوانتر از آنچه مردم گمان می‌کنند و بیشتر از آن مقداری که پدران دخترانشان را اکرام می‌نمایند؛ تا آنجایی که آن اکرام از مرز دوستی و علاقه پدر و فرزندی گذشت و به دفعات نه یک‌دفعه تنها، در حضور خاص و عام و در مقامات و جایگاههای متعدد نه یک‌جای واحد فرمود: "او سرور زنان عالم و نظیر مریم دختر عمران است و هنگامی که از صحرای محشر عبور می‌کند منادی از عرش الهی ندا می‌دهد که ای اهل محشر چشمانتان را بیوشانید زیرا فاطمه دختر محمد از اینجا می‌گذرد." این از احادیث صحیح است و جزو اخبار ضعیف نیست و پیوند و ازدواج او با علی نبود مگر بعد از آنکه خداوند عقد علی و او را به شهادت و گواهی ملائکه در آسمانها بست. و چقدر بسیار، نه یک‌مرتبه، فرمود: مرا می‌آزارد هرچه که او را بیازارد و مرا به خشم می‌آورد هرچه او را به خشم آورد و به‌درستی که او پاره تن من است.)).

16. عزیزترین مردم نزد رسول خدا(ص)

علی بن محمد بن عبدالکریم جزری- معروف به "ابن اثیر"- در "اسدالغابه" در توصیف حضرت فاطمه(س) می‌نویسد: ((فاطمه معروف به ام ابیها شده بود و عزیزترین مردم به رسول خدا بود.)).

17. تکه مانند رسول(ص)

احمد بن عبدالله احمد بن اسحاق بن موسی بن مهران- محدث و مؤلف نامدار اهل سنت- (336-430 ه.ق.) معروف به "ابونعیم اصفهانی" در کتاب پرآوازه خود یعنی "حلیة الاولیاء" می‌نویسد:

((فاطمه رضی الله عنها از عابدان خالص و پاکان تقوی پیشه است. او سرور دوشیزگان، تکه مانند رسول، نزدیکترین فرزندانیش به قلبش از لحاظ دوستی و نزدیکی و اولین آنها بعد از وفاتش از لحاظ ملحق شدن است. او از دنیا و بهره‌های عمری دنیا چشم پوشیده بود و به پیچیدگیهای عیوب دنیا و آفتهای آن آشنا بود.)).

پایان سخن

شخصیت وجودی فاطمه زهرا(س)، همسر امیرالمؤمنین، چنان والا و کامل است که نویسندگان غیر شیعی نیز بدان اعتراف کرده و در آستان آن حضرت مجذوبانه سخن گفته و او را ستوده‌اند. برخی از این نویسندگان آثار مستقل درباره زندگانی و شخصیت وی دارند و گروهی نیز در لابه‌لای دیگر آثار- آثار غیرمستقل- خود به بیان برداشت خود از جایگاه عظیم او پرداخته‌اند.

آنان ادعای دارند که حضرت فاطمه(س) ضرب المثل کمال و جمال، قله نشین قاف عفت، پاکترین مادر، سرشار از افتخارات، متمایز به صفات شرف انسانی، اسوه حسن خلق، حامی امیرالمؤمنین، بزرگ بانوی جهان، برترین زن از لحاظ فضل و کمال، والاترین بانوی آفرینش، خورشید حکمت و جلال، بی‌نظیر و بی‌همتا، برتر از گمان مردم، عزیزترین مردم نزد رسول خدا و تکه مانند رسول الله است.

پی‌نوشت:

. ابوعلم، توفیق؛ فاطمه زهرا؛ ترجمه: صادقی، علی اکبر؛ تهران: انتشارات امیر کبیر، 1، 1353 ه.ش.، ص 49.

. همان، ص 50.

. همان، صص 97-99.

. همان، ص 17.

. ذهبی، شمس الدین محمد؛ سیر اعلام النبلاء؛ دارالمعارف مصر، ج2، ص 188.

. دخیل، علی محمد علی؛ اعلام النساء؛ الدار الاسلامیه لبنان، ج2، 1412 ه.ق.، ص 172.

. ابوعلم، توفیق؛ فاطمه زهرا؛ ص 49.

. عبدالمقصود، عبدالفتاح؛ امام علی بن ابی طالب(ع)؛ ترجمه: جعفری، سید محمد مهدی؛ نشر طلوع خورشید، ج3، 1353 ه.ش.، ج 1، ص 313.

. کتانی، سلیمان؛ فاطمة الزهرا وتر فی غمد؛ بیروت: دارالصادق، ج2، 1968 م.، ص 13.

. همان، ص 189.

. دخیل، علی محمد علی؛ اعلام النساء؛ ص 171.

. ابن ابی الحدید؛ شرح نهج البلاغه؛ دار احیاء کتب العربیة، ج2، 1386 ه.ق.، ج20، صص 16-17.

. ابوعلم، توفیق؛ فاطمه زهرا؛ ص 14.

. حسن، علی ابراهیم؛ نساء لهنّ فی التاریخ الاسلامی نصیب؛ قاهره: النهضة المصریة قاهره، 1970 م.، ص 46.

. دخیل، علی محمد علی؛ اعلام النساء؛ ص 172.

. ابن شهر آشوب؛ المناقب؛ نجف: حیدریة نجف، 1375 ه.ق.، ج3، ص 110.

. ابن ابی الحدید؛ شرح نهج البلاغه؛ ج9، ص 193.

. ابن اثیر؛ اسدالغابة؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج5، ص 520.

. اصفهانی، ابونعیم؛ حلیة الاولیاء؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، ج2، ص 39.

منابع:

1. ابن ابی‌الحدید؛ شرح نهج البلاغه؛ داراحیاء کتب العربیة، ج2، 1386 ه.ق.

2. ابن اثیر؛ اسدالغابة؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی.

3. ابن شهر آشوب؛ المناقب؛ نجف: حیدریة نجف، 1375 ه.ق.

4. ابوعلم، توفیق؛ فاطمه زهرا؛ ترجمه: صادقی، علی‌اکبر؛ تهران: انتشارات امیرکبیر، ج1، 1353 ه.ش.

5. اصفهانی، ابونعیم؛ حلیة الاولیاء؛ بیروت: دارالکتب العلمیة.

6. حسن، علي ابراهيم؛ نساء لهنّ في التاريخ الاسلامي نصيب؛ قاهره: النهضة المصرية قاهره، 1970م.
7. دخيل، علي محمد علي؛ اعلام النساء؛ الدارالاسلاميه لبنان، ج2، 1412ه.ق.
8. ذهبي، شمس الدين محمد؛ سير اعلام النبلاء؛ دارالمعارف مصر.
9. عبدالمقصود، عبدالفتاح؛ امام علي بن ابي طالب(ع)؛ ترجمه: جعفري، سيدمحمد مهدي؛ نشر طلوع خورشيد، ج3، 1353ه.ش.
10. كتاني، سليمان؛ فاطمة الزهرا وتر في عمده؛ بيروت: دارالصادق، ج2، 1968م.